

The Emotional Responsibility of Spouses in the Family from the Perspective of Islam (with a Psychological Approach)

Atefeh Polad (Author)

Fourth level student, comparative interpretation, Fatemeh Al-Zahra Research Center for Interdisciplinary Studies of Islamic Humanities -Peace be upon her- Isfahan (author in charge)

Email: atefepoolad13@gmail.com

Mohsen Khoshfar

Assistant Professor of Hadith Department, Al-Mustafa Al-Alamiya University of Qom, (first author)

Email: mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

Abstract

The commentary ascribed to Imam Ḥasan ibn Ali ‘Askarī (AS) is one of the earlier Shi'a narrative interpretations in the third century. There are controversies about this exegesis and it has been criticized by both earlier and later Imamiyyah scholars. Accordingly. The baseless and incorrect content of this exegesis, its related controversies as well as proving its non-attribution to the eleventh Imam arise some questions; if the current commentary isn't ascribed to Imam Ḥasan ‘Askarī or his magnanimous father, who is its real author? What evidence is there to suggest its attribution to a particular person or show its author is unknown? So, the present study tries to identify the author of this commentary. The textual indications of the exegesis as well as the historical documents show that the real author of the exegesis is Ḥasan ibn Ali ‘Askarī entitled 'Nāṣir Lilḥaq Utrūsh', the leader of the Zaydi sect and the ‘Alavī ruler of Tabaristan.

Keywords: Education, Emotional Development, Love, Emotions, Male and Female Duties, Verbal and Non-verbal Needs.

مسئولیت عاطفی همسران در خانواده از منظر اسلام (با رویکرد روانشناسی)

عاطفه پولاد (نویسنده مسئول)

A. Poolad, Ph.D. Candidate

طلبه سطح چهار، گرایش تفسیر تطبیقی، مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمه الزهراء - سلام الله علیها - اصفهان¹

محسن خوش‌فر

M. Khoshfar, Ph.D.

استادیار گروه حدیث جامعه المصطفی العالمیه قم

چکیده

از جمله مسئولیت‌های تاثیر گذار در خانواده، مسئولیت عاطفی است که به آن توجه ویژه‌ای در مباحث دینی و روان شناسی شده است. ارتباط عاطفی بین همسران با مؤلفه‌هایی در ارتباط بوده و مراحل رشدی دارد که باعث استحکام خانواده می‌شود. این تحقیق در صدد است در قالب ارتباط‌های کلامی و غیر کلامی به بررسی مسئولیت‌های عاطفی همسران بپردازد. در نهاد خانواده زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی ایجاد آرامش مطرح بوده و مهم ترین نقش همسران اظهار محبت به یکدیگر در قالب‌های خوش رویی، صدا زدن به احترام، خودداری از سرزنش و سپاسگزاری است. از جمله اهداف ارتباط عاطفی تعادل شخصیتی طرفین، برطرف شدن نیازها، زمینه سازی برای رسیدن به کمال، تحصیل آرامش و تعلیم ارتباط صحیح به فرزندان است. که هم قرآن و هم روان شناسی راه کارهایی را برای تحقق این اهداف ارائه داده است. اما در بعضی از مولفه‌ها روان شناسان نظر پیشگیرانه‌ای را ارائه نکردند ولی قرآن نظراتی را بیان کرده که امتیاز دین بر روان شناسی را روشن می‌سازد، مانند نظری که در سپاسگزاری ارائه می‌دهد. بنابراین تحقیق حاضر با روش تطبیقی، توصیفی و تحلیلی می‌کوشد تا با یافتن برنامه جامع اسلام باعث اصلاح و ارتقاء عاطفی بین همسران شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت، ارتقاء عاطفی، محبت، عواطف، وظایف زن و مرد، نیاز کلامی و غیر کلامی.

1- نویسنده مسئول: اصفهان، مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمه الزهراء (سلام الله علیها). پست الکترونیکی: atefepoolad13@gmail.com

خانواده اولین و مهم ترین نهاد اجتماعی است. بنابراین هر گونه رفتار و کردار خوب و بد خانوادگی در سوق دادن اجتماع به نیکی یا بدی موثر است. با نگاهی گذرا به آموزه‌های اسلام در می‌یابیم که تا چه حد خانواده را با اهمیت دانسته و در رشد و حفاظت آن کوشیده و حس مسئولیت را در آن برانگیخته است. مسئولیت از مفاهیم بسیار مهمی است که از دیر باز مورد توجه عالمان دینی و روان‌شناسی قرار گرفته، و در اسلام نیز از جایگاهی ویژه برخوردار است. مفهوم مسئولیت با توجه به تعدد سؤال‌کننده متعدد می‌شود. مسئولیت دینی، قانونی، اخلاقی، از جمله این مفاهیم است. به طور کلی در نهاد خانواده سه نوع مسئولیت وجود دارد، مسئولیت همسران در قبال یکدیگر، مسئولیت والدین در برابر فرزندان و مسئولیت فرزندان در برابر والدین. اما اگر زن و شوهر به مسئولیت‌های خود به درستی عمل کنند، محیط خانواده و در نتیجه اجتماع، یکپارچه لبریز صفا و صمیمیت می‌شود و رنگ سلامت و حتی معنویت به خود می‌گیرد اگر زن و شوهر به یکدیگر مهر بورزند، خانه به محیطی امن و آرام و مناسب برای رشد و کمال خود و فرزندان تبدیل خواهد شد. بنابراین بسیار اهمیت دارد که همسران از مسئولیت‌های خود، بخصوص مسئولیت عاطفی که تاثیر گذارترین مسئولیت‌ها هست آگاهی لازم داشته باشند. به همین منظور دستورهایی در اسلام درباره چگونگی صدا زدن یکدیگر، سپاس و قدردانی، شوخ طبعی، صبوری و مسائلی از این قبیل به ما رسیده است، که باعث ایجاد محبت و تحکیم روابط خانودگی می‌شود.

هر چند این مسأله دارای سابقه تحقیقی و تدوینی است، و کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده، مانند کتاب «قاسمی، صدیقه، خانواده و کارکرد عاطفی آن، ۱۳۸۵» که به تبیین دیدگاه شهید بهشتی در مورد تاکید بر کارکرد عاطفی خانواده و تاثیر آن بر ولایت والدین بر فرزندان، ازدواج موقت و حتی موضوع چالش برانگیز تعدد زوجات می‌پردازد. و مقاله «عبدالملکی، سالار، بررسی جو عاطفی خانواده و کنترل عواطف با گرایش اعتیاد، مجله خانواده پژوهی، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۵». در این مقاله بیان می‌شود که بین جو عاطفی خانواده و کنترل عواطف و گرایش به اعتیاد رابطه وجود دارد. همچنین مقاله «خلعتری، جواد، سهیلی پور، فاطمه زهرا، بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی، مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۶». که درباره جایگاه و اهمیت خلاقیت و پرورش آن در کودکان در علم روان‌شناسی صحبت می‌کند. که یکی از مهمترین عوامل در شکوفایی خلاقیت کودکان وجود جو عاطفی در خانواده است.

این آثار به صورت جزئی به این مسأله پرداخته‌اند و مسئولیت عاطفی را نسبت به گروه و قشر خاصی مثل نوجوانان و جوانان و معتادان بیان کرده‌اند. و هیچ کدام به صورت کلی محدوده مسئولیت عاطفی را در خانواده آن هم به صورت تطبیقی از منظر قرآن و روایات و روان‌شناسی بررسی نکرده‌اند. این مقاله که با هدف کشف محدوده مسئولیت عاطفی همسران به روش تطبیقی، توصیفی، تحلیلی نوشته شده به بررسی راهکارهای تامین نیازهای عاطفی همسران در دو بعد کلامی و غیر کلامی و تاثیر آن در تحکیم و قوام روابط خانوادگی می‌پردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. خانواده (آسره-family)

خانواده در لغت به معنای دودمان، خاندان و خویشاوندانی است که انسان به کمک آن‌ها نیرو می‌گیرد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۷). «خانواده» کلمه‌ای واحد با معانی بسیار متفاوت است.

در علم روان‌شناسی، خانواده یکی از اشکال تجمع انسان است به همراه مجموعه‌ای از روابط و پدیده‌های مختلف، که در آن مناسبت‌های جسمی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و سایر مناسبت‌ها با هم گره خورده و مجموعه یکپارچه‌ای را تشکیل داده‌اند. خانواده در معنای عام اولین شکل زندگی اجتماعی انسان است که بیشتر از هر چیزی بر رشد اجتماعی او تاثیر دارد. با توجه به این تعریف بعضی از جامعه‌شناسان خانواده را مقدم بر ازدواج می‌دانند زیرا معتقد هستند که قبل از تنظیم روابط عرفی و سنتی زن و مرد به وسیله ازدواج، افراد بشر به صورت خانواده به سر می‌برده‌اند (حسن زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷ تا ۱۸). در این تعریف نه تنها نحوه شکل‌گیری خانواده گفته نشده است که با ازدواج یک زن و مرد، خانواده شروع می‌شود، به نظر می‌رسد که خانواده را اصلی می‌داند که بدون ازدواج هم قابل شکل‌گیری است.

در علم جامعه‌شناسی خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضای آن بوسیله ازدواج، نسل گذشته یا فرزند خواندگی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند. و افراد آن در تامین درآمد، اقتصاد و نگهداری از فرزندان یکدیگر را یاری می‌دهند (همو، ص ۲۰). در این تعریف

از خانواده به مسأله ازدواج برای تشکیل خانواده اشاره شده است ولی محدوده مسئولیت فقط مربوط به اقتصاد شده است. و این طور برداشت می‌شود که اگر در بعد اقتصادی به هم کمک نکنند خانواده محسوب نمی‌شوند.

در مکتب اسلام، خانواده مجموعه‌ای از افراد با رابطه‌های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدین، فرزندان، برادر، خواهر) است. این افراد به نسبت رابطه‌ای که با هم دارند دارای مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی هستند. بنابراین خانواده از منظر اسلام شامل خانواده‌های هسته‌ای و گسترده می‌شود که حتی عمو و عمه و دایی و خاله را نیز شامل می‌شود. در این تعریف اشکالات تعاریف قبلی وجود ندارد زیرا هم به تشکیل خانواده از طریق ازدواج زن و مرد اشاره کرده است و هم به مباحث اقتصادی و حتی معنوی خانواده توجه شده است بنابراین به نظر می‌رسد نسبت به تعاریف دیگر جامعیت داشته باشد به همین دلیل، تعریف مختار در این مقاله محسوب می‌شود.

2.1. مسئولیت

مسئولیت از سوال اشتقاق یافته و در لغت به معنای وظیفه یافتن و ضرورت پاسخگو بودن است. اما در اصطلاح معنای مسئولیت متعدد و گاهی متفاوت است. تنوع مسئولیت بخاطر این است که سوال کننده متعدد است. گاهی درخواست کننده خدا و دین است که به آن مسئولیت الهی و دینی گفته می‌شود. گاهی وجدان و فطرت انسان است که به آن مسئولیت اخلاقی گفته می‌شود. گاهی خواهان، قانون است که به خواسته‌ها و وظایف قانونی، مسئولیت قانونی گفته می‌شود. و گاهی خواهان و سوال کننده اجتماع و جامعه است که به انتظارات و توقعات آن، مسئولیت اجتماعی گفته می‌شود (وطن دوست، 1393، ص 10 تا 11) که در این تحقیق منظور از مسئولیت، مسئولیت اخلاقی است یعنی نوعی وظیفه است که از فطرت پاک و وجدان انسانی نشأت می‌گیرد و مورد تایید خدا و دین نیز هست.

3.1. عواطف

عاطفه، عبارت است از تاثرات درونی یا میل‌هایی که در رابطه با انسان دیگر مطرح می‌شود یا تاثرات درونی برگرفته از محیط است مثل شادی، امید، بیم، خشم، مهر، ... که به لذت و آلم تعبیر می‌شوند (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 491). به عبارت دیگر عاطفه نوعی واکنش یا نوعی رفتار است و جنبه‌ی احساسی دارد که ناشی از یک حس و ادراک آن است و از آن جایی که احساس در انسان‌ها دارای جنبه‌های خوشایند یا ناخوشایند است. پس عواطف که رفتارهای ناشی از احساس‌های انسان است نیز دارای جنبه‌های خوشایند و ناخوشایند است.

۲. نیازهای عاطفی در خانواده و ارتباط آن با مسئولیت و وظائف همسران

پیش از بیان وظایف مرد لازم به ذکر است که انسان دارای نیازهایی می‌باشد. فارغ از این که این نیازها چیست، این نکته بدیهی است که وظایف و مسئولیت‌هایی که انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی به عهده می‌گیرند با نیازهای آنان رابطه مستقیم دارد. به عبارت دیگر تمامی وظایف و مسئولیت‌ها مطابق با نیازها تعریف می‌گردند. مثلاً بر اساس تئوری انتخاب، انسان با پنج نیاز اساسی بقاء، عشق، تعلق، قدرت، آزادی و لذت متولد می‌شود. و این نیازها محرک انسان بوده و به رفتارهای او جهت می‌دهد. (گودرزی و همکاران، 1399، ص 17) مسئولیت‌ها و وظایف، بایدهای رفتاری است و اگر نیازها جهت دهنده رفتارهای انسان باشند به طریق اولی و پیش از رفتارها، جهت دهنده و الزام‌سازنده وظایف و مسئولیت‌ها خواهند بود. بنابراین برای کشف وظایف و مسئولیت‌ها می‌توان از طریق توجه به نیازها اقدام نمود. به عبارت دیگر زمانی که نیازی مشخص گردد در پس این نیاز وظایف و مسئولیت‌هایی برای برآورده کردن این نیازها تعریف می‌گردد. در این تحقیق جهت کشف وظایف، از طریق کشف نیازها اقدام خواهد شد.

۳. وظایف مرد

پس از این توضیح باید دانست که وظایف مرد در جهت تامین نیازهای عاطفی به دو حیطه‌ی روابط کلامی و غیر کلامی تقسیم می‌شود.

1.3. وظایف مرتبط با نیازهای کلامی اعضای خانواده

کلام، یکی از ابزارهای اساسی در ارتباط با دیگران به شمار می‌رود. سخن، علاوه بر این که معنا را منتقل می‌کند. امور دیگری مانند محبت و نفرت، تکریم و تحقیر و احترام را نیز منتقل می‌کند. بنابراین مهارت در سخن گفتن، از اموری است که در موفقیت یک تعامل، نقش اساسی ای داشته و در بهداشت روان خانواده و ایجاد و تحکیم الفت میان اعضاء، بسیار موثر است (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 126). بسیاری از نیازهای اعضای خانواده از طریق کلام مرتفع می‌گردد. به عبارت دیگر، مرد برای تامین این نیازها باید از مهارت‌های کلامی و گفتار خویش استفاده کند تا بتواند اینگونه نیازها را برطرف سازد. وظایف کلامی مرد در تامین نیازهای عاطفی همسر و اعضای خانواده اجمالا به قرار زیر است.

1.1.3. محبت کلامی: یکی از تفاوت‌های زنان با مردان و از ویژگی‌های شخصیتی و روانی آن‌ها این است که زنان بیش از آن که علاقمند باشند که همسرشان در نهان به او عشق بورزد، محتاج ابراز محبت و آشکار کردن مهر و عاطفه از طرف او در محیط خانواده هستند. بعضی از افراد محبت را فقط در دوست داشتن و عاشق بودن اطرافیان خلاصه می‌کنند و قادر به بروز احساسات خود نیستند. در صورتی که دوست داشتن به تنهایی جزء کوچکی از مفهوم واژه عشق است. واژه عشق و مودت بدون ابراز و اظهار آن نسبت به اطرافیان واژه‌های ناقص و ابتر است (رودز، ۱۳۹۳، ص 303).

البته توجه به این خواست فطری زن که دیگران او را دوست بدارند و به او مهر بورزند، بیش تر احساس می‌شود و لازم است مرد محبت قلبی خود را بیش تر ابراز کند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص 147 تا 148). پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این رابطه می‌فرماید: «سخن مرد به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از قلبش بیرون نمی‌رود» (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 569). محبت کلامی می‌تواند در قالب صدا کردن زن با نام مناسب و تعریف کردن از او نیز جلوه کند.

1.1.1.3. صدا زدن زن با الفاظ زیبا: از نشانه‌های احترام زوجین به یکدیگر، صدا زدن آن‌ها به بهترین نامی است که هر یک دوست دارند. در روایت است که: «سه چیز دوستی برادر مسلمان را برای برادرش ثابت می‌کند: با چهره‌اش گشاده ملاقاتش کند، او را با بهترین نام‌هایش صدا زند» (همو، ج 2، ص 643). در روایتی دیگر است که: «هرگاه شخصی را دوست داشتی، دوستی خودت را به او اعلام کن؛ زیرا این عمل انس و الفت را بین شما پایدارتر می‌کند» (همو، ج 4، ص 644). از این دو روایت فهمیده می‌شود که اظهار محبت به صورت عمومی و بیان محبت و ابراز دوست داشتن زن به صورت خصوصی از عوامل ایجاد انس و الفت است که زمینه استحکام خانواده را فراهم می‌کند. به عبارتی دیگر صدا زدن با نامی که فرد دوست دارد باعث اعلام و اثبات دوست داشتن او می‌شود. اعلام کردن دوستی به طرف مقابل باعث ایجاد انس و الفت بین دو طرف می‌گردد. اگر این اتفاق بین زن و شوهر بیفتد زمینه تحکیم خانواده را فراهم می‌کند.

صدا زدن زن با نام مناسب و استفاده از پسوندهای عاطفی مانند «جان» احساس بسیار خوبی به او می‌دهد. و محبت را در قلب همسر مضاعف می‌کند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص 148).

از آثار مهم صدا کردن این است که می‌تواند در میزان ترشح هورمون‌های آرام بخش یا اضطراب زا موثر باشد و ارتباط مستقیمی با سلامت روحی و جسمی و حتی طول عمر انسان از جمله همسران دارد. توصیه مهم در صدا زدن همسر این است که همسران توافق کنند که در محیط عمومی و خانواده و خصوصی چگونه همدیگر را صدا بزنند مثلاً در محیط عمومی دوست دارند به صورت محترمانه و آقا و یا خانم همدیگر را صدا کنند. در محیط خانواده می‌توانند فضای احساسی تری را برای صدا کردن همدیگر داشته باشند. مثل این که اسم همدیگر را صدا بزنند و یا از القاب و عناوینی مانند عزیزم، عمرم، نفسم استفاده کنند. در نزد فرزندان هم همدیگر را با القاب و عناوین عاشقانه ولی غیر جنسی همدیگر را صدا بزنند تا هم حس اطمینان به فرزندان منتقل شود و هم آن‌ها نیز نحوه رفتار با همسر را بیاموزند. اما در محیط خصوصی برای خطاب کردن همدیگر می‌توانند از کلمات احساسی-عشقی به طور آزادانه استفاده کنند (شهیدی، savadezendegi.com، تاریخ دسترسی 1401/3/2).

2.1.1.3. تعریف و تحسین زن: از آن جایی که یکی از راه‌های تعامل ما با دیگران مسأله تعریف و تمجید از یک طرف و نقطه مقابل آن توهین و تحقیر از طرف دیگر می‌باشد، بنابراین بخشی از مهارت‌های ارتباطی در این رابطه را باید یاد بگیریم که اولاً وظیفه ما در این رابطه چیست در ثانی باید بدانیم در برابر این پدیده چه واکنشی از خود نشان دهیم (پسندیده، رضایت زناشویی، 1391،

ص 201). اثری که احترام مرد به زن دارد این است که منبع محبت او را لبریز می‌کند. یکی از راه‌های تکریم زن، تعریف از ظاهر او، زحمت‌ها و تلاش‌های وی است که باعث دل‌گرمی بیش از پیش زن می‌شود. جمله‌هایی مانند: شما زیبا ترین همسر دنیا هستی، چقدر این لباس به تن شما زیباست (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص 150). احترام همسران نسبت به هم رکن روابط موثر آن‌هاست، متون اسلامی به مردان سفارش کرده که به همسر خود احترام بگذارند. در روایت است: «کسی که همسری برگزیند، باید او را اکرام کند» تا آن جایی که در روایات، احترام به زن نشانه رشد یافتگی و بی‌احترامی به زن نشانه ناپختگی مرد شناخته شده است. «ما أكرم النساء إلا كريم، ولا أهانهن إلا لئيم» (سیوطی، بی تا، ج 1، ص 62) در قرآن نیز از کارکردهای مثبت زبان که منجر به ارتباط و ابراز محبت می‌شود به خوش‌گفتاری تعبیر شده است. «هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» (حج: 24) (هاشمی، 1397، ص 304) یعنی جمله‌ها و الفاظی را باید بر زبان جاری کرد که نشاط آفرین و با صفا بوده و روح و جان انسان را آرام کند (مکارم شیرازی، 1374، ج 14، ص 58).

2.1.3. شوخ طبعی در گفتار: توجه به همه ابعاد وجودی انسان امری ضروری است زیرا همه آن‌ها نیازمند سرزندگی و پویایی هستند. اگر بخشی از این ابعاد نادیده گرفته شود، خمودی آن، تاثیر منفی خود را بر دیگر بخش‌ها و سپس بر کل زندگی، بر جای خواهد گذاشت (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 204 تا 205). یکی از ابعادی که باید به آن توجه شود، شوخ طبعی است. زیرا شوخ طبعی مکانیزم ارزشمندی دارد برای مقابله با حوادث استرس‌زای زندگی و سیستم ایمنی افراد را در برابر عوامل آسیب‌زا تقویت می‌کند. این امر باعث می‌شود افرادی که از شوخ طبعی برخوردارند، در مقایسه با افرادی که شوخ طبع نیستند، در مواجهه با تجربیات تنش‌زا مثل خشم، غم و افسردگی، کمتر با خلق منفی واکنش نشان دهند (ابوالفتحی ممتاز، انصاری و فروغان، 1399، ص 122). از طرفی شادی باعث انبساط روحی و برانگیخته شدن نشاط در انسان می‌شود. به فرموده امام علی (علیه السلام) «شادی، روح را باز می‌کند و نشاط را بر می‌انگیزد» (تمیمی آمدی، 1410 ق، ص 113). این لذتی که از شوخی به دست می‌آید نقش مهمی در سلامت دارد. و با ایمان هم منافاتی ندارد. اتفاقاً پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی از ویژگی‌های اهل ایمان را شوخ طبعی معرفی کرده‌اند. «مؤمن، خوشرو و بذله‌گو است» (ابن شعبه حرانی، 1404 ق، ص 49). مطلب مهم در اسلام این است که شوخی کردن باید با شرایطی انجام شود. مثلاً از وسایل نامشروعی مانند دروغ برای خندانند دیگران استفاده نشود. مطلب آن قدر اهمیت دارد که پیامبر آن را به صورت هشدار مطرح می‌کند. «وای بر کسی که کلام دروغی را نقل کند تا دیگران بخندند. وای بر او، وای بر او» (حرعاملی، 1409 ق، ج 12، ص 251). همچنین در مزاح کردن از به کار بردن الفاظی مانند فحش دادن و ناسزا گفتن منع شده است (کلینی، 1407 ق، ج 2، ص 633). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مزاح در عین حال که یکی از راه‌های کاهش غم و اندوه است و حتی می‌تواند با یادآوری خاطرات خنده‌آور، مفید و تاثیر گذار باشد. اما نباید با تمسخر و دروغ و فحش و ناسزا همراه باشد. ازیرا با آسیبی که وارد می‌کند آن اثرات مثبت را از بین می‌برد.

2.3. وظایف مرتبط با نیازهای غیر کلامی اعضای خانواده

1.2.3. تکیه گاه بودن: شاید در نگاه اولیه این طور به نظر برسد که تکیه گاه بودن مرد چه ربطی به محبت و تحکیم خانواده دارد شاید بنابر نگاه بعضی از جریان‌های فمینیستی تازه مغل آرامش و صمیمیت هم شناخته شود، اما با یک نگاه منصفانه و عالمانه معلوم می‌شود که نه تنها توجه به این امر در رابطه صمیمی بین همسران موثر است بلکه لازمه استحکام خانواده، توجه به الگوی مهر و اقتدار است که از تفاوت بین زن و مرد و آیات و روایات به دست می‌آید.

تعریف اقتدار از نگاه روان‌شناسی یعنی قدرتی که مستلزم اطاعت بوده (عالم، 1380، ص 89) (آشوری، 1386، ص 247) و با رضایت همراه است. قبول کردن مرد به عنوان مرکز قدرت در خانواده به معنای تبعیض و برتری یکی از زوجین بر دیگری نیست بلکه بر اساس تفاوت‌های جنسیتی است که بین زن و مرد وجود دارد (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 13) (حسینی همدانی، 1404 ق، ج 4، ص 52).

زن با ازدواج دنبال تکیه گاه محکم و قابل اعتماد می‌گردد و این خصلتی مشترک در همه زن‌ها است. خداوند از مرد خواسته که تکیه گاه محکمی برای زن باشد. تا زن در سایه اطمینان به همسرش امور لازم را به او سپرده و از زندگی لذت ببرد. یعنی مردها در مرکز ساختار قدرت در خانواده قرار دارند و زن مدیریت داخلی خانه و منبع عاطفی را بر عهده دارد. این امر بر اساس نقش و نیاز هر یک از زوجین شکل گرفته است تا باعث آرامش بین آن‌ها شود (رودز، 1393، ص 303). در قرآن نیز داریم «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى

النِّسَاءِ» یعنی مردان سرپرست زنان هستند (نساء/ ۳۴) و این سرپرستی، بر اساس فطرت و طبیعت آن‌ها به آنان واگذار شده است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج 2، ص 73) (قرشی، ۱۳۷۷، ج 2، ص 355).

از این تفاوت و با الهام از آیات و روایات می‌توان به الگوی زیبایی به نام الگوی مهر و اقتدار در خانواده رسید. روایتی از پیامبر است که حضرت می‌فرماید: «بهترین مردان شما آن کسی است که خانواده اش را نیازمند دیگران نمی‌کند» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج 25، ص 134؛ ج 26، ص 970). [نیاز خانواده منحصر در نیاز اقتصادی نیست بلکه برآورده کردن نیازهای عاطفی اعضا خانواده و در راس آن‌ها زن خانواده از مهم‌ترین نیازهایی هست که باید به آن توجه ویژه شود] بر اساس این الگو زن و مرد هر دو نیاز به اقتدار و مهر دارند؛ اما نیاز به اقتدار در مردان، بیش‌تر و اساسی‌تر است. بر عکس، نیاز به مهر در زنان به شکل بارزتری بروز می‌کند. کارکرد این الگو به این صورت است که مرد جذاب برای زنان، مردان مقتدر و توانا هستند و زن مورد علاقه ی مردان، غالباً زن ملایم و لطیف است. بنابراین اگر زن به مرد اقتدار بدهد، از او مهر دریافت می‌کند و اگر مرد به زن عشق و مهر بدهد، از او قدرت دریافت می‌کند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص 57). در واقع اقتدار مرد و مهر و عاطفه زن رابطه تنگاتنگی با هم دارند. اصلاً زن زمانی احساس خوشبختی می‌کند که به مرد توان مندی تکیه کرده [و از او عاطفه و محبت دریافت کند] (همو، ص 118) بعضی از وظایف زنان برای حفظ اقتدار مردان مواردی مانند، عشق ورزی به آن‌ها، احترام به همسر، قدردانی و توجه به او، خداحافظی هنگام خروج از منزل و استقبال در هنگام ورود آن‌ها به منزل می‌باشد. عدم توجه به این تفاوت‌ها در بین زن و مرد، باعث کاهش جاذبه‌های آن‌ها و احساس نیازشان به هم می‌شود (شاهواروتی، ۱۳۸۷، ص 75).

2.2.3. معاشرت نیکو: برخورد نیکو و آرامش بخشیدن به خانواده از مهم‌ترین وظایف مرد در قبال همسر و اعضای خانواده است. برخلاف آن سوء معاشرت و عدم برقراری ارتباط صحیح با اعضای خانواده به عنوان یکی از آسیب‌های اخلاقی به شمار می‌آید (ویسی، بی‌تا، ص 34). خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء به مردان سفارش می‌کند که با زنان به طور شایسته معاشرت کنید. معنای امر به معاشرت با زنان، معاشرتی است که در بین مردم جامعه و عرف پذیرفته شده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج 4، ص 255) و متضمن فضیلت اخلاقی و انسانی بوده و با فطرت، هم خوانی داشته باشد (بقره: 228 و 248) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج 2، ص 232). با توجه به این مطالب، معنای معروف وسیع بوده و شامل سخن و رفتار نیکو هردو می‌شود و به طور کلی خوب زندگی کردن و هر رفتار پسندیده‌ای را معروف می‌گویند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج 3، ص 40).

بعضی از مصادیق معاشرت نیکو عبارتند از: گوش دادن، هدیه دادن، همکاری در کارهای منزل. که به صورت مختصر به توضیح هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

1.2.2.3. گوش دادن: گوش دادن یکی از مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی است که صمیمیت بین زن و مرد را افزایش می‌دهد. در قرآن درباره پیامبر آمده که او اذن است. «يَقُولُونَ هُوَ اذْنٌ» (توبه: 61)، یعنی پیامبر در مقابل سخنان و درد دل‌های دیگران با تمام حواس و با اهتمامی ویژه گوش می‌داد، به گونه‌ای که گویی تمام وجود آن حضرت گوش است و با تمام اعضا و جوارحش به سخنان آنان گوش می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج 9، ص 324). شنیدن و گوش دادن دو مقوله ی متفاوت هستند. گوش وسیله و ابزاری است برای شنیدن و خوب گوش دادن باعث درک مفاهیم و معنا می‌شود. چه بسا در محیطی انواع صداها به گوش برسد و مقوله شنیدن هم صورت بگیرد ولی هیچ معنایی انتقال پیدا نکند. در نتیجه هیچ حس و ادراکی هم به دست نمی‌آید. وقتی ادراک صحیح از شنیده‌ها حاصل نشود چه بسا با بی‌تفاوتی از آن بگذرد و یا واکنشی نامناسب در برابر آن از خود نشان دهد. به همین دلیل در روایات خوب گوش دادن را بر سخن گفتن مقدم کرده‌اند. مانند: سخن امام علی (علیه السلام) که فرمودند: خوب گوش دادن را یاد بگیر، همان طور که خوب سخن گفتن را یاد می‌گیری (مفید، ۱۴۱۳ق، ص 245). اگر چه آیه ۶۱ توبه اختصاص به پیامبر دارد اما از آن جایی که پیامبر با توجه به آیه ۲۱ احزاب به عنوان اسوه حسنه معرفی شده‌اند. می‌توان از ایشان آموخت که مرد باید به منظور احترام به زن، خوب به سخنان او گوش داده و عکس العمل مناسب داشته باشد. و مهارت‌های گوش دادن را به کار ببندد. از مهارت‌های گوش دادن می‌توان به توجه کردن، اشاره کردن، دعوت کردن، خلاصه کردن و سوال کردن اشاره کرد. زمانی که مرد بتواند به همسرش خوب گوش دهد، حتی اگر نتواند خیلی از مشکلات را حل کند، ولی همسرش را درک کرده است و این گوش دادن به نشانه ارزش نهادن به طرف مقابل است که خود به خود ناراحتی‌ها، گلایه‌ها و مشکلات را کاهش می‌دهد.

3.2.2.3. هدیه دادن: یکی از رفتارهای غیر کلامی که شادی و محبت ایجاد می‌کند، هدیه دادن به همسر است. اثری که هدیه دادن دارد این است که کینه‌ها و دشمنی‌ها را از بین برده و به جای آن، محبت را قرار می‌دهد. پیامبر اسلام می‌فرماید: «هدیه دهید تا محبوب شوید زیرا هدیه کینه‌ها را می‌برد» (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 144). اصل هدیه دادن به همسر، نشان دهنده ی ارزش و اهمیتی است که نزد هدیه دهنده دارد و ملاک، ارزش مادی هدیه نیست. وقتی کسی این احساس در او ایجاد شود که برای دیگری ارزش و اهمیت دارد نسبت به او علاقه و محبت پیدا می‌کند و به دنبال این عشق و علاقه، از صمیم قلب دستورات او را اطاعت می‌کند. «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران: 31).

3.2.2.3. همکاری در امور منزل: وقتی سخن از همکاری هست یعنی مسئولیت کارهای خانه بر عهده مرد نیست و در صورت تمایل می‌تواند زن را در امور منزل یاری دهد. از منظر منابع دینی، تقسیم کار جنسیتی مورد تاکید است؛ یعنی کار بیرون از خانه به مرد و درون خانه به زن واگذار شده است. مانند کاری که پیامبر درباره حضرت علی و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) انجام دادند و فاطمه فرمود: «از این که پیامبر خدا مرا از بر عهده گرفتن مسئولیت‌های مردان معاف کرد، فقط خدا می‌داند که چقدر خوشحال شدم» (حرعاملی، 1409ق، ج 2، ص 172)، اما یکی از جریان‌های مدعی دفاع از حقوق زنان، یعنی رویکرد فمینیستی با این دیدگاه مخالف بوده و معتقد است که زنان به علت جنسیت، گرفتار تبعیض هستند (مکنزی و دیگران، 1375، ص 346). اساس خانواده به سوی برابری و تقارن نرفته است. بنابراین خانواده مکان نابرابری است؛ جایی که زنان مطیع هستند و نقش‌های آنان از پیش تعیین شده است (زارعی توپخانه، 1397، ص 52). به همین دلیل خواهان سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش مادران در خانواده (بهشتی و احمدی نیا، 1385، ص 70) و تساوی طبیعت مردان و زنان و انکار نقش جنسیتی بین آن‌ها هستند (زارعی توپخانه، 1397، ص 52). باید دید این سخن چقدر پشتوانه علمی داشته و چه تاثیری در جذابیت یا عدم جذابیت زن و مرد نسبت به یکدیگر دارد؟

اول این که در این نهضت به این نکته توجه نشده است که تساوی حقوق یک مطلب است و تشابه حقوق مطلب دیگر و انسان بودن زن موجب فراموشی زن بودن وی گردیده است (بهشتی و احمدی نیا، 1385، ص 72).

دوم این که تفاوت‌های جسمی از جمله تفاوت‌هایی است که در منابع علمی مورد تایید واقع شده است. یکی از تفاوت‌های جسمی، تفاوت در تعداد کروموزوم‌های مرد و زن می‌باشد. همان چیزی که فمینیسم‌ها هم نتوانسته‌اند آن را انکار کنند (محمدی، 1392، ص 46).

سوم این که از نگاه روان شناسی، تفاوت‌های طبیعی جسمی و روحی زن و مرد، کارکردهای آن‌ها را متفاوت خواهد کرد و عدالت نیز در ادبیات دینی، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه خودش است.

حتی بین زن و مرد تفاوت در احساسات و عاطفه هم وجود دارد. احساسات زن از مرد جوشان تر است؛ به همین دلیل زن زودتر تحت تاثیر احساسات قرار می‌گیرد؛ ولی مرد از زن سرد مزاج تر است. (این از مهم ترین و بنیادی ترین تفاوت‌های زنان و مردان است که خود باعث نتایج و پیامدهای متعددی می‌شود که بسیاری از موارد یاد شده در این تحقیق از جمله آن است.) دختران به توانایی، استعداد و پیشرفت پسران و پسران بیش تر به ظاهر و جاذبه‌های جسمی دختران توجه می‌کنند (لطف آبادی، 1381، ص 95) (محمدی، 1392، ص 54).

زن و مرد در حواس و ادراک نیز با یکدیگر تفاوت دارند. حساسیت پوستی زن بیش تر است و با نوازش بدنی نشاط روانی می‌یابد (که در مسائل جنسی نیز تاثیر فراوانی دارد) (حسینی و همکاران، 1381، ص 43) (محمدی، 1392، ص 54).

این‌ها نمونه‌هایی از تفاوت‌های زن و مرد بود که عدم توجه به آن‌ها منجر به انقلاب جنسی و عدم مسئولیت پذیری هر کدام از طرفین خواهد شد. از پیامدهای منفی دیگر آن، کاهش جذابیت زن و مرد برای همدیگر است (بدانتر، 1377، ص 249 تا 267) (محمدی، 1392، ص 56).

اسلام، درباره مقام انسانی زن از نظر خلقت تمایزی با مرد قائل نیست و در قرآن بیان می‌کند که زنان و مردان از سرشت واحد آفریده شده‌اند. «خداوند کسی که همه شما را از یک انسان آفرید...» (نساء: 1) «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای

شما آفرید» (روم: 21). بنابراین در اسلام نظریه تحقیر آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد. ولی چون از بسیاری جهات مشابه هم نیستند پس دارای حقوق و وظایف مختلفی هستند (بهشتی و احمدی نیا، ۱۳۸۵، ص 73 تا 74). در روایات نیز اشاره به این تفاوت جنسیتی شده است. «صبر و تحمل زنان بیش از مردان است» (حرعاملی، 1409ق، ج 20، ص 361) که اشاره به احساس و عاطفه بیشتر در جنس مونث است. در امور اجتماعی نیز، اسلام تاکید دارد توان و ویژگی‌های هر کدام از زن و مرد برای واگذاری امور و مسئولیت به آن‌ها در نظر گرفته شود.

اسلام در عین تاکید بر تفکیک جنسیتی امور بین زن و مرد، فعالیت زنان در بیرون از خانه را هم ممنوع نمی‌داند. بلکه مشروط به رعایت عفاف و حجاب کرده است. در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است «کار کردن برای کسب مال حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج 100، ص 9) (بروجردی، ۱۳۸۶، ج 22، ص 88) یا به آن زن عطر فروش سفارش می‌کند زمانی که چیزی می‌فروشی نیکو معامله کن (ابن بابویه، ج 3، ص 272). همان طور که کارکردن مرد در خانه به خصوص با نگاه تعاون و کمک به همسر، مورد تاکید و ستایش است و در سیره خانوادگی حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز مشهود است (حرعاملی، 1409ق، ج 12، ص 39).

3.2.3. تماس چشمی: تماس چشمی از رفتارهای غیر کلامی است که می‌تواند محبت را به ارمغان بیاورد. تماس چشمی از رایج‌ترین و نیرومندترین علائم غیر کلامی است. زیرا تماس چشمی می‌تواند بیان گر صمیمیت، درگیری و جاذبه یا نشان گر تسلط، پرخاشگری باشد. تماس ممتد چشمی یک زوج جوان و دل داده با تماس ممتد چشمی دو دشمن فرق دارند. به همین جهت، معنای دقیق تماس چشمی تا حد زیادی به رابطه بستگی دارد. تماس چشمی، شامل نوع نگاه کردن، پلک زدن، حالت چشم و پوست اطراف آن می‌باشد. چشم‌ها در خوشی برق می‌زنند؛ در غمگینی، قرمز و اشک آلود می‌شوند و در عصبانیت، خشمگین خواهند بود (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص 156 تا 157). این‌ها حالات چشم است که در روان شناسی بیان شده است. از حالاتی که برای چشم بیان شد این نکته به دست می‌آید که چشم‌ها اطلاعات بسیار مهمی را در زمینه ی روابط با اشخاص دیگر منتقل می‌کنند. بنابراین توصیه می‌شود در هنگام گفت و گو برای فهمیدن، توجه و برقراری ارتباطی صمیمانه، در چشم طرف مقابل نگاه شود. این کار نشان دهنده آن است که حواس من به تو است و به جای دیگری توجه ندارم (همو، ص 156). از طرفی وقتی فردی بتواند از حالت چشم فرد مقابل درون او را بفهمد که آیا غمگین است یا خوشحال و یا عصبانی است، می‌تواند برخورد متناسب با او را اعمال کرده و این به سلامتی و امنیت خانواده کمک فراوانی می‌کند.

در قرآن هم برای چشم معانی متفاوتی بیان شده است، مثل چشم یقین، چشم اعجاز آمیز، خاشع، شور، اما از بین آن‌ها به توضیح چشم اعجاز آمیز و زیبا که مربوط به بحث می‌شود می‌پردازیم.

1.3.2.3. چشم اعجاز آمیز: گاهی اراده خداوند بر آن تعلق می‌گیرد که چشم انسان، واقعیت را به شکل و صورت دیگری ببیند تا امیدواری در قلب انسان جایگزین یأس و ناامیدی شود (نساجی زواره، ۱۳۸۳، ص 59). آیه ۴۴ انفال به این مطلب اشاره می‌کند. که اشاره به جنگ بدر دارد که با این اعجاز خداوند، مسلمانان، بر انبوه لشکر دشمن، پیروز شدند.

2.3.2.3. چشم زیبا: زیبایی انسان، قبل و بیش از هر چیز در چشمان اوست. بنابراین قرآن در مورد همسران بهشتی، روی زیبایی چشمان آن‌ها تاکید کرده است. در چندین آیه از قرآن از همسران بهشتی به «حورالعین» تعبیر شده است. «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان: 54)!. کلمه «حور» به معنای زنی است که دارای چشمانی سیاه چون چشم آهو باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج 18، ص 149). توجه همسران به زیبایی‌های یکدیگر، علاوه بر این که باعث کشف نشانه‌هایی از هنرمندی و زیبا آفرینی خداست و رابطه بین آن دو را با خدا قوی تر می‌سازد؛ در لذت بردن از یکدیگر، افزایش محبت بین آن‌ها و آرامش و خوشبختی آن‌ها نیز موثر است (فقیهی، ۱۳۸۵، ج 3، ص 203 تا 204). اما چشم زیبا در صورتی ارزنده است که درون فرد نیز دارای ایمان، وقار، پاکی و صداقت باشد.

از انواع چشمی که در قرآن مطرح شد این معنا حاصل می‌شود که در آموزه‌های دینی توجه به چشم و زیبایی آن امری مطلوب شمرده شده و باعث لذت و فرح می‌شود زیرا ویژگی‌های زنان بهشتی است. اما چشم اعجاز آمیز می‌تواند اثر فوق العاده‌ای در زندگی

زوجین داشته باشد. یعنی اگر همسری دارای ایمان و پاکی باشد و در سایه تقوی رابطه قوی با خدا داشته باشد. در صورت داشتن همسری بداخلاق و غیر قابل تحمل، خداوند آن همسر بد اخلاق را در چشم این فرد زیبا جلوه داده و به این ترتیب به او آرامش و سکینه را هدیه می‌دهد. چه بسا در سایه چنین رفتاری آن فرد بد اخلاق هم تغییر رفتار داده و مورد رضایت همسرش عمل کند و گرمی خانواده و انس و محبت در آن خانواده حفظ شود.]

۴. وظایف زن

وظایف زن نیز در تامین نیازهای عاطفی به دو نوع وظایف مرتبط با حیطة ی کلامی و مرتبط با حیطة غیر کلامی تقسیم می‌شود.

1.4. وظایف مرتبط با حیطة گفتار و کلام

زنان در جهت تشخیص مسئولیت و وظایف خود در قبال خانواده و همسر، باید نیازهایی که مردان و فرزندان به آنها نیازمندند را بشناسند و پس از شناخت آنها، وظایف خود را تشخیص دهند و در برآورده کردن آنها تلاش کنند. تا خودشان نیز بتوانند نیازهای عاطفی شان را از مرد دریافت کنند. به همین منظور مهم ترین وظایف زنان در قبال اعضای خانواده که مرتبط با حیطة کلام و گفتار است بیان می‌گردد.

1.1.4. تعریف و تمجید کلامی از مرد: بر اساس پژوهش‌ها، زن با تعریف و تمجید از تلاش‌های مرد، زمینه ی تأمین نیاز روانی وی را فراهم می‌کند و در مقابل، مرد نیز با احساس توان مندی بیشتری برای خدمت به خانواده، تلاش مضاعفی به کار می‌بندد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴). همچنین زن می‌تواند با تعریف کردن از همسرش، عیب‌های او را ببوشاند و او را زیبا جلوه دهد و به غرور و افتخار او بیافزاید. خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: «زنان لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید» (بقره: ۱۸۷). این جمله کمال اتصال و وابستگی زن و مرد را می‌رساند. و از استعمال آن در باب مفاعله این معنا حاصل می‌شود که پوشش زن و مرد از ناحیه هردو طرف است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۹).

2.1.4. سپاس‌گزاری گفتاری از مرد: در روایات یک اصلی مهمی وجود دارد و آن این است که «تشکر نکردن از دیگران ناسپاسی به خدا به شمار می‌آید (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳). این اصل از این جهت است که تشکر همیشه در برابر نعمت است. نعمت هم یا مستقیماً از طرف خدا به ما می‌رسد، یا بندگان خدا واسطه می‌شوند. سپاس از دیگران، رفتاری اخلاقی است که در خصوص خانواده، سپاس‌گزاری همسران از اصول روابط موثر است (برنشتاین، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱). بر اساس پژوهش‌ها نیز تکریم و احترام به همسر، یکی از عوامل اصلی پایداری و ثبات ازدواج است (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴). یکی از صفات مناسب زنان سپاس‌گزاری از همسر است. در روایت است: «بهترین زنان شما زنی است که وقتی به او چیزی داده شود، سپاس‌گزاری کند...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹). در جایی دیگر حضرت می‌فرماید: «خوشبخت است خوشبخت است زنی که شوهرش را بزرگ شمارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۰) (شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۴۱) (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۰). اعلت این که در روایت زنی را که به شوهرش احترام می‌گذارد را خوشبخت معرفی کرده این است که [تشکر از دیگران و از جمله همسر، در راستای توحید و تشکر از خدا قرار گرفته است. خداوند دوست دارد که واسطه نعمت نیز مورد تشکر قرار گیرد (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱ تا ۱۴۲). به همین دلیل در روایات تصریح شده که «اگر از احسان کننده تشکر نشود، در حقیقت از خدا تشکر نشده است» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۳) (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۸۰). بنابراین، تشکر از احسان و نیکی همسر، امری الهی و بهترین واکنش به رفتار مثبت وی است که نقش مهمی در روابط مثبت و سازنده همسران دارد.

در روایت داریم «هر کس در برابر خوبی‌ای که به او شده، همانند آن، خوبی کند، آن خوبی را پاداش داده است و هر کس بیشتر از آن، خوبی کند، سپاس‌گزاری کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۸). بنابراین بر زن است که خوبی همسر را با «مقابله برتر» پاسخ دهد تا سپاس‌گزاری کرده باشد نه «مقابله برابر» که در قرآن از آن به «هل جزاء الا احسان الا الاحسان» (رحمن: ۶۰) یاد شده است (پسندیده، کانون جوانمردی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰).

اهمیت «مقابله برتر» با توجه به کلام امام علی (علیه السلام) از این جهت است که: سپاس‌گزاری، ارزشمندتر از نیکی کردن است؛ زیرا سپاس‌گزاری می‌ماند و نیکی از بین می‌رود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۶). یعنی تاثیر سپاس‌گزاری فرد مقابل، از کار خوب،

پایدارتر است. با این تعبیر سپاس‌گزاری به عنوان یک فعل ارزشی مطرح است که باعث افزایش عاطفه مثبت بین همسران شده و تاثیر آن عمیق‌تر بوده و زمان بیشتری پایدار می‌ماند (پسندیده، رضایت زناشویی، 1391، ص 143). اثر دیگر سپاس‌گزاری با نگاه به روایات این است که: «سپاس‌گزاری تو از کسی که از تو راضی است، باعث رضایت و وفاداری بیشتر او می‌شود و سپاس‌گزاری تو از کسی که از تو ناخشنود است، سبب رفع ناراحتی، و مهربانی او به تو می‌شود» (تمیمی آمدی، 1410ق، ص 407)، یعنی هم در فرد راضی تاثیر مثبت می‌گذارد و هم در فرد ناراضی، با این توضیح که اگر بین همسران رابطه خوب برقرار باشد، سپاس‌گزاری باعث افزایش رضایت مندی می‌شود. اگر ناراحتی بین آن‌ها باشد سپاس‌گزاری، باعث اصلاح رابطه و بازگشت عاطفه می‌شود (همان). نتیجه این که سپاس‌گزاری هم کارکرد «ارتقایی» دارد (ارتقای سطح روابط) و هم کارکرد «درمانی و اصلاحی». سومین اثر سپاس‌گزاری از همسر، این است که باعث معنوی شدن روابط همسران می‌شود. زیرا وقتی انسان به این باور برسد که کاری که همسرش انجام می‌دهد، در حقیقت لطف خدا است که از طریق وی به او رسیده، به همسر خود به عنوان واسطه فیض و لطف الهی نگاه کرده و این در معنوی شدن رابطه تاثیر فوق‌العاده دارد. این دیدگاه، تشکر را از یک رابطه (انسان-انسان) به رابطه (انسان-خدا) ارتقا می‌بخشد (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 144). خلاصه این که این ارتباط تنگاتنگ، پیوند دهنده زندگی زناشویی با مطمئن‌ترین و محکم‌ترین بنیان، یعنی خداوند است که می‌تواند صمیمیت، سلامت، رضایت و موفقیت را تضمین کند.

3.1.4. دوری از سبک‌گفتاری آمرانه: در کلام پیامبر بهترین زنان کسانی معرفی شده‌اند که گفتار مرد را می‌شنوند و امر او را اطاعت می‌کنند (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 324). از آن جایی که مردها در مرکز ساختار قدرت در خانواده قرار دارند و زن مدیریت داخلی خانه و منبع عاطفی را بر عهده دارد (رودز، 1393، ص 303). یکی از چیزهایی که نقش زیادی در افزایش یا کاهش اقتدار مردانه دارد، شیوه گفتاری زن در ارتباط با همسر است. مثلاً سبک گفتاری آمرانه که شامل امر و نهی کردن مستمر باشد از عوامل کاهش اقتدار مردانه است. مرد در برابر چنین رفتاری، مدام در رنج است و در برابر آن واکنش منفی نشان می‌دهد. این الگو اگر با تحقیر و طعنه و پرخاش‌گری همراه باشد، آثار مخرب بیش‌تری را بر جا می‌گذارد. بنابراین توصیه می‌شود که خانم‌ها برای بیان خواسته‌های خود از سبک گفتاری پرسشی و ترجیحی؛ مانند: «بهتر است، امکانش هست و بهتر نیست» استفاده کنند (زارعی توپخانه، 1397، ص 170).

۲.۴. وظایف مرتبط با حیطة غیر کلامی

زنان نیز مانند مردان در برقراری ارتباط غیر کلامی وظایفی دارند که باید انجام دهند تا خانواده به آرامش برسد.

1.2.4. صبوری و بردباری: از ویژگی زنان شایسته آن است که در برابر پرخاش‌گری همسر صبور باشند. در روایات اسلامی وارد شده است که: «هر زنی که گفتار ناپسند همسرش را تحمل کند، خداوند به ازای هر کلمه، اجر روزه دار و مجاهد در راه خدا را برایش ثبت می‌کند» (نوری، 1408ق، ج 14، ص 245) این روایت جهت انگیزشی دارد یعنی انگیزه زن را برای تحمل گفتار ناپسند همسرش تحریک می‌کند. در جای دیگر امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «جهاد زن، صبر بر آزار و اذیت همسرش است» (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 9). از آن جایی که هر مشکلی به تناسب ناخوشایندی اش، باعث بروز فشار روانی می‌گردد، که در صورت عدم تواتمندی مقابله با آن، نه تنها مشکل حل نمی‌شود بلکه بر رنج و درد آن نیز می‌افزاید. قرآن می‌فرماید: بدی را با رفتاری نیکوتر پاسخ بده که ناگهان خواهی دید، همان کسی که بین تو و او دشمنی بود، مانند دوستی صمیمی شده است (فصلت: 34). بنابراین صبوری زن در رفتار نامطلوب همسر بهترین راه برای پیشگیری از آشفتگی زندگی مشترک است. که این هنر همسری است که علاوه بر تواتمندی در تحمل سختی‌ها، مهارت‌های لازم برای عبور از بحران را هم داشته باشد. تا بتواند در برابر ضربه‌های حوادث (بخصوص ضربه‌های اولیه) با کاهش فشارهای روانی، راه رویارویی صحیح و منطقی با آن‌ها را پیدا کند (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 260 تا 261). همچنین دارای ایمان باشد در روایات صبر منشأ ایمان معرفی شده است. «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ» (کلینی، 1407ق، ج 3، ص 226). چنین زنی از تبدیل شدن درون خانه به جنگ قدرت جلوگیری کرده و بنیان خانواده را حفظ می‌کند.

۲.۲.۴. قناعت و رزی: از نگاه اسلام، یکی از مهم‌ترین وظایف مرد، تامین مخارج زندگی است. پیامبر اسلام فرمودند: حق زن بر شوهرش این است که شکمش را سیر کند و بدنش را بپوشاند (ابن‌فهد حلی، 1407ق، ص 91) (مجلسی، 1403ق، ج 100، ص 254) و جالب این که پرداخت نفقه و تامین مخارج زندگی توسط مرد را نیز از مصادیق احسان به همسر می‌داند. اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد: «حق زن بر شوهرش چیست که اگر شوهرش آن را انجام دهد. جزو نیکوکاران باشد؟ حضرت پاسخ

می‌دهد. خوراک و پوشاکش را فراهم کند» (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 510) (حرعاملی، 1409ق، ج 20، ص 169) قبلا هم گفتیم که احسان، از عوامل اساسی در حفظ و تقویت مودت و صمیمیت همسران است و این روایت نشان می‌دهد که از جمله مصادیق احسان، تامین اقتصاد خانواده است. بنابراین تامین مخارج زندگی، از عوامل موثر در تعامل مثبت میان همسران است. زیرا احسان، موجودی نیازمند است و تا نیازش برآورده نشود، به آرامش نخواهد رسید (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 217 تا 218). پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: به درستی که هرگاه روزی انسان تامین شود، نفس، آرام می‌گیرد (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 89). اما به بانوان نیز توصیه می‌کند که در امور اقتصادی، درآمد همسرشان را در نظر بگیرند و از توقعات نامعقولی که در توان همسرشان نیست، اجتناب ورزند؛ در روایتی از پیامبر آمده است، بر زن جایز نیست که همسرش را به بیش از توانایی اش مجبور کند (نوری، 1408ق، ج 14، ص 242). زیرا این مسأله احساس ناتوانی و شکست را در مردان به وجود می‌آورد (زارعی توپخانه، 1397، ص 177) و اقتدار مرد را در هم می‌شکند. و قبلا گفته شد زمانی که اقتدار مرد خدشه دار شود تامین نیازهای عاطفی زن از طرف مرد با مشکل مواجه می‌شود و این موارد اثر منفی در آرامش خانواده خواهد گذاشت.

3.2.4. عفت ورزی: عفت هم شامل رعایت پوشش ظاهری و هم مراقبت از امور معنوی و روحی می‌شود. به همین جهت دامنه آن گسترده بوده و شامل عفت نگاه، کلام و دامن می‌شود. یکی از مؤثرترین عوامل امنیت روانی مرد، پاکدامنی و عفت همسر اوست. در معارف دین، خیانت مراتبی دارد که بعضی از روایات، برخی از مصادیق آن را بیان کرده‌اند (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 559) (طبرسی، 1412ق، ص 158) (حرعاملی، 1409ق، ج 20، ص 326) اما متأسفانه چیزی که در دنیای امروز فراگیر هم است، خیانت زناشویی در فضای مجازی مطرح است. با گسترش ارتباطات، نوعی خیانت در قالب، تلفن، ارسال تصویر، چت و مانند آن پدید آمده است که می‌تواند بسیار ویران‌گر باشد. در این پدیده، افراد، با تماس الکترونیکی با غیر همسر خود، رابطه مجازی خیانت آمیزی برقرار می‌کنند که در ادامه می‌تواند به خیانت حضوری تبدیل شود.

کسی که دل به غیر همسر خود ببندد، جسمش در خانواده و کانون توجه اش در بیرون است. این دو گانگی، سبب ناسازگاری، بی‌مهری، بدزبانی و نارضایتی می‌شود و سرور، شادمانی و آرامش خانواده را از بین می‌برد. وجود چنین شرایطی، نه تنها به والدین آسیب می‌زند، بلکه فرزندان را نیز قربانی می‌سازد (پسندیده، رضایت از زندگی، 1386، ص 183 تا 185). از همین جهت است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خوشا به حال کسی که مادرش پاک دامن است (ابن بابویه، 1362، ج 2، ص 564).

نتیجه گیری

پژوهش با هدف تبیین وظایف و مسئولیت‌های عاطفی همسران با رویکرد دینی و روان‌شناسی انجام شد و نتایج تحقیق حاکی از آن است که، در نهاد خانواده زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی مطرح بوده و نقش کلیدی در آرامش خانواده دارند. از مهم‌ترین نقش همسران اظهار محبت نسبت به یکدیگر است که تاثیر زیادی در استحکام بنیاد خانواده دارد. اظهار محبت می‌تواند در قالب‌های کلامی-گفتاری و غیر کلامی-رفتاری بروز کند. از مولفه‌های ارتباط عاطفی بین زن و شوهر در محیط خانواده، خوش رویی، صدا زدن به احترام، خودداری از سرزنش و سپاس‌گزاری است که باعث ایجاد آرامش در خانواده می‌شوند. اما تحقیر و توهین یکدیگر با استفاده از اسامی زشت، نسبت‌های ناروا و یا تمسخر باعث اختلافات خانوادگی می‌شود. احترام زن به شوهر افزون بر تأثیری که در افزایش روحیه و اقتدار و تأمین آرامش وی دارد، باعث تقویت مهرورزی همسرش نسبت به خود می‌شود. بنابراین زن با توجه به ویژگی‌های فردی و وظایفی که در تشکیل و تحکیم خانواده بر عهده دارد، سهم بیشتری در تأمین آرامش خانواده دارد. اما تحقق و تداوم این امر به مشارکت و تلاش همه جانبه ی زن و شوهر نیاز دارد. با آن که مدیریت کلان و هدایت خانواده و تأمین معاش و امکانات زندگی و به تعبیری دیگر، تأمین آسایش خانواده بر عهده ی مرد است، اما از نقش وی در ابراز محبت و مهربانی به همسر و فرزندان و تأمین نیازهای روحی و روانی آنها نباید غفلت شود.

زن و مرد به عنوان دو موجود متفاوت، تفاوت‌های بسیار و همچنین اشتراکات فراوانی با هم دارند و این تفاوت‌ها هدفمند بوده و از روی حکمت و مصلحت است. آموزش اسلام در نگرش به خانواده و کارکردهای آن به گونه‌ای طرح ریزی شده که ضمن از بین بردن زمینه‌های تنش و تضاد، از آسیب‌های احتمالی که ممکن است حتی بعد از بکار گرفتن راه‌های تعامل صحیح بوجود بیاید جلوگیری می‌کند. مانند راه کاری که درباره عدم توجه به احسان و همچنین راه کاری که برای آفت تعریف و تمجید و نقطه مقابل آن توهین و تحقیر ارائه داده است. و این مواردی که بیان شد نسبت به آن‌ها روان‌شناسان نظر پیشگیرانه‌ای را ارائه نکردند.

فهرست منابع

* قرآن، ترجمه مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح

1. ابن بابویه، م. (۱۳۶۲). *خصال* (جلد 4). (ع. غفاری، تدوین) قم: جامعه مدرسین.
2. ابن شعبه حرانی، ح. (1404ق). *تحف العقول*. (ع. غفاری، تدوین) قم: جامعه مدرسین.
3. ابن شهر آشوب، ا. (۱۴۳۰ق). *مناقب آل ابیطالب (علیه السلام)* (جلد 2). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
4. ابن عاشور، م. (بیتا). *التحریر و التنویر* (جلد 2). بیروت: موسسه التاریخ.
5. ابن فارس، ا. (1399 ق). *معجم مقاییس اللغة* (جلد 1). بیجا: دار الفکر.
6. ابن فهد حلی، ا. (۱۴۰۷ق). *عده الداعی و نجاح الساعی*. (ا. موحدی قمی، تدوین) بیجا: دارالکتب الإسلامی.
7. ابوالفتحی ممتاز، ی.، انصاری، م.، & فروغان، م. (1399). *اتریخشی آموزش شوخ طبعی بر بهزیستی سالمندان*. مجله روانشناسی پیری، 6(2)، 122.
8. آشوری، د. (1386). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
9. بدانتر، ا. (۱۳۷۷). *عصر تشابه جنسها*. (ا. ترجمه وارته فر، تدوین) مجله زنان (48)، 249-267.
10. برنشتاین، ف. (۱۳۸۰). *زناشویی درمانی*. (ح. پورعابدی، غ. منشی، مترجم) تهران: رشد.
11. بروجردی، آ. (۱۳۸۶). *جامع احادیث الشیعه* (جلد 25). تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
12. بهشتی، س.، & احمدی نیا، م. (۱۳۸۵). *تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی*. مجله تربیت اسلامی (3)، 70.
13. پسندیده، ع. (1386). *رضایت از زندگی* (جلد 5). قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
14. پسندیده، ع. (۱۳۸۹). *کانون جوانمردی*. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
15. پسندیده، ع. (1391). *رضایت زناشویی*. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
16. تمیمی آمدی، ع. (1410ق). *غررالحکم و دررالکلم*. (س. رجائی، تدوین) قم: دارالکتب الإسلامی.
17. حرعاملی، م. (1409ق). *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
18. حسن زاده، ر. (1390). *روان شناسی خانواده، عشق و ازدواج (مدیریت خانواده)* (جلد 1). تهران: نشر ساولان.
19. حسینی همدانی، م. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی.
20. حسینی، س. و همکاران. (۱۳۸۱). *کتاب زن*. تهران: امیرکبیر.
21. خطیبی، شهلا، گودرزی، محمود & یاراحمدی، یحیی. (1398). *بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری و نیازهای بنیادین گلاسر با ازدواج رضایت مند: نقش میانجی تاب‌آوری*. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد* 62، (ویژه (روانشناسی))، 16-

22. رودز، ا. (۱۳۹۳). *تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم*. (م. محمدی، مترجم) قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
23. زارعی توپخانه، م. (۱۳۹۷). *مهر و اقتدار در خانواده*. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
24. سالاری فر، م. (۱۳۹۵). *درآمدی بر زوج درمانی با روی آورد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
25. سیوطی، ع. (بی‌تا). *الجامع الصغیر (جلد 1)*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التودیع.
26. شامی، ی. (۱۴۲۰ق). *الدرالنظم فی مناقب الائمة اللهمم*. قم: جامعه مدرسین.
27. شاهواروتی، م. (۱۳۸۷). *بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم*. فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌های قرآنی (1)، 75.
28. شهیدی، س. (1401، 03، 02). *چرا رابطه جنسی زوجها نسبت به بیست سال پیش کمتر شده است؟*. بازیابی از سواد زندگی: <http://www.savadezendegi.com>
29. طباطبایی، م. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن (جلد 3)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
30. طبرسی، ح. (۱۴۱۲ق). *مکارم الاخلاق*. قم: الشریف الرضی.
31. طبرسی، ف. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
32. طوسی، م. (۱۴۱۴ق). *الامالی*. (موسسه البعثه، تدوین) قم: دارالثقافه.
33. عالم، ع. (1380). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نی.
34. فقیهی، ع. (۱۳۸۵). *مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از منظر قرآن و حدیث*. مجله تربیت اسلامی (3)، 203-204.
35. قرشی، ع. (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث (جلد 2)*. تهران: بنیاد بعثت.
36. کراچکی، م. (۱۴۱۰ق). *کنزالفوائد (جلد 1)*. قم: دارالذخائر.
37. کلینی، م. (1407ق). *الکافی (جلد 1، 2، 4، 5)*. (ع. غفاری، م. آخوندی، تدوین کنندگان) تهران: الکتب الإسلامیه.
38. لطف آبادی، ح. (۱۳۸۱). *روان شناسی رشد ۲*. تهران: سمت.
39. مجلسی، م. (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار (جلد 100)*. بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
40. محمدی، م. (1392). *زن از دیدگاه اسلام و فمینیسم*. بیجا: زائر آستان مقدسه.
41. مدرسی، م. (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
42. مفید، م. (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*. (ع. غفاری، م. محرمی زرنی، تدوین کنندگان) قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
43. مکارم شیرازی، ن. (1374). *تفسیر نمونه (جلد 14)*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
44. مکنزی، ی. و دیگران. (۱۳۷۵). *مقدمهای بر ایدئولوژیهای سیاسی*. (م. قائد، مترجم) تهران: مرکز.
45. نساجی زواره، ا. (۱۳۸۳). *حالات چشم در قرآن*. مجله درس‌هایی از مکتب اسلام (52)، 59.
46. نوری، ح. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (جلد 14)*. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
47. وطن دوست، ر. (1393). *مسئولیت پذیری و مسئولیت‌گریزی (جلد 1)*. مشهد: واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

48. ویسی، غ. (بی‌تا). آسب شناسی خانواده و راههای پیشگیری از آن. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمایندگی ولی فقیه.

49. هاشمی، م. (1397). باقرآن خوشبخت شوید. قم: مرکز نشر آیه نور.